

در نخستین گفتمان تخصصی کیوریتوری در اصفهان مطرح شد

کیوریتوری؛ از مدیریت نمایشگاه تا خلق ارزش اقتصادی



کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ اما در ایران به دلیل زیرساخت های موجود، گاهی فعالیت‌هایی که در یک نظام حرفه‌ای بر عهده چند نفر است، توسط یک نفر انجام می‌شود.

او تأکید کرد: باید متناسب با نیازهای هنر ایران، تعریف و شکل جدیدی از کیوریتوری ایجاد و بازتعریف شود.

این هنرمند، تبدیل نمایشگاه به یک فرم منسجم را از دشوارترین وظایف کیوریتور دانست و گفت: تمام طراحی یک نمایشگاه به این مسئله بازمی‌گردد که چگونه یک مفهوم قرار است خودش را به فرم تبدیل کند.

بنابراین کسی که می‌خواهد وارد این حرفه شود باید مهارت‌های لازم و مورد نیاز آن را به‌طور جدی فراگیرد.

«روایت یک اثر هنری چگونه به ارزش اقتصادی تبدیل می‌شود؟»

امین پورامین، مجموعه‌دار هنری و کیوریتور، در ادامه این نشست با تمرکز بر ابعاد اقتصادی، بازاریابی و ارزش‌افزینی کیوریتوری اظهار کرد: روایت و زمینه‌ای که پیرامون یک اثر هنری شکل می‌گیرد، می‌تواند بر ارزش اثر و در نهایت جایگاه آن در بازار تأثیر بگذارد.

از این منظر، این پرسش اهمیت پیدا می‌کند که چه کسی این زمینه را شکل می‌دهد و چگونه می‌توان هنرمند را به‌عنوان یک برند معرفی و تثبیت کرد. او افزود: این بخشی از نقشی است که کیوریتور می‌تواند بر عهده بگیرد؛ یعنی ایده‌ای را شکل دهد، بر آن تمرکز کند و آن را در قالب نمایشگاه، کاتالوگ و دیگر بست‌های ارائه به مخاطب توسعه دهد.

در این فرایند، کیوریتور می‌تواند زمینه‌ای معتبر برای معرفی اثر و برقراری ارتباط میان آن، هنرمند و مخاطب ایجاد کند و از این طریق در شکل‌گیری ارزش اقتصادی اثر نیز مؤثر باشد.

پورامین با بیان اینکه نگاه او به کیوریتوری تا حدی بازاریمحور است، ادامه داد: در جهان امروز، برند بخشی از سازوکار شکل‌گیری ارزش است و عرصه فرهنگ و هنر نیز از این قاعده مستثنی نیست. هنرمند برای آنکه بتواند جایگاه مشخصی در فضای حرفه‌ای و بازار پیدا کند، به هویت حرفه‌ای منسجمی نیاز دارد و کیوریتور می‌تواند در شکل‌گیری و تثبیت این هویت نقش داشته باشد. او در ادامه با اشاره به نقش کیوریتور در خلق موقعیت‌های تازه برای مواجهه مخاطب با هنر گفت: کیوریتورها در بسیاری از مواقع صرفاً آثار را انتخاب نمی‌کنند، بلکه در پی خلق و شکل‌دادن به موقعیت‌ها و تجربه‌هایی هستند که نحوه مواجهه مخاطب با یک اثر، هنرمند یا ایده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این منظر، توانایی روایت‌گری اهمیت دارد و می‌تواند به یکی از ابزارهای استراتژیک کیوریتور در شکل‌دادن به تجربه مخاطب تبدیل شود.

«هشدار نسبت به استفاده افراطی از عنوان کیوریتور»

حمیدرضا کریمی، کیوریتور، مشاور هنری و نویسنده با نگاهی انتقادی به جریان کیوریتوری در هنر معاصر، بحث خود را با این پرسش آغاز کرد که کیوریتور چه نقشی می‌تواند در مؤسسات داشته باشد.

او با اشاره به پیشینه این مفهوم در ایران گفت: مانند بسیاری از مفاهیم هنر معاصر، کیوریتوری نیز مفهومی وارداتی است و می‌توان گفت ورود آن به هنرهای تجسمی ایران حدود یک تا دو دهه قدمت دارد و هنوز به صورت آکادمیک و رسمی وارد دانشگاه های ایران نشده است.

کریمی افزود: مانند بسیاری از واژه‌های وارداتی، این مفهوم نیز با سوءتعبیر و کج‌فهمی‌هایی مواجه شده است و عبور از این وضعیت نیازمند تلاش و دقت بیشتری است. او یکی از مسائل موجود را استفاده گسترده از عنوان کیوریتور به‌عنوان یک سمت نمایشگاهی در فضای هنرهای تجسمی دانست و گفت: اینکه این واژه تا چه اندازه با فردی که ادعا می‌کند در این حوزه فعالیت می‌کند تناسب دارد، خود محل بحث است. این پژوهشگر با تأکید بر چندرشته‌ای و پژوهش‌محور بودن کیوریتوری اظهار

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه
نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید مصطفی روحانی (شماره ۱۹)، پلاک ۶، ساختمان رویداد پارسی
تلفن: ۰۲۱-۳۶۲۹۳۷۵۰ تا ۰۲۱-۳۶۲۹۳۹۲۰ | فاکس: ۰۲۱-۳۶۲۹۳۹۲۰
لینوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

لاسیب؛ روستایی با هزار سال قصه برای گردشگران



آسیاب آبی هزارساله، قنات، حمام قدیمی، امامزاده، کوچه‌باغ‌ها و آسمان پرستاره، لاسیب اردستان را به روستایی با ظرفیت‌های متنوع گردشگری تبدیل کرده‌است؛ ظرفیتی که هنوز به‌طور کامل معرفی نشده است.

گاهی برای دین بخشی از تاریخ و طبیعت اصفهان لازم نیست راهی مقصدی دور شد؛ کافی است از مسیر شهرستان اردستان به اصفهان عبور کنید و کمی به دل کوه بزنید. جایی میان دره‌ها، روستایی قرار دارد که هنوز می‌توان در کوچه‌باغ‌هایش ردپای زندگی نسل‌های گذشته را دید؛ لاسیب، روستایی در حدود ۲۰ تا ۴۴ کیلومتری اردستان که طبیعت، کشاورزی، معماری سنتی و میراث تاریخی در آن به هم گره خورده‌اند. لاسیب در میان ارتفاعات قرار گرفته و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آن در دامنه‌های اطراف روستا گسترده شده‌اند. سیب، گردو، بادام، انگور، زردآلو، قیسی، الوچه و توت از محصولات باغ‌های این منطقه است و همین باغ‌ها در کنار آسوهوای کوهستانی، چهره‌ای متفاوت از روستاهای پیرامون اردستان به وجود آورده‌اند.

«روستایی میان دو دره»

روایت محلی درباره نام لاسیب نیز با جغرافیای روستا پیوند خورده است؛ «لا» در این روایت به قرار گرفتن میان دو دره اشاره دارد و «سیب» نیز از میوه‌ای گرفته شده که در گذشته در باغ‌های روستا فراوان بوده است. قدمت لاسیب بسیار بیشتر از آن چیزی است که در نخستین نگاه به یک روستای کوچک به نظر می‌رسد. در منابع محلی، از سابقه طولانی این آبادی سخن گفته شده و حتی در برخی روایت‌ها آمده است که شکل‌گیری آن به دوره‌ای پیش از شکل‌گیری شهر اردستان نسبت داده شده است. با این حال، آثار برجای‌مانده در روستا نشان می‌دهد لاسیب دست‌کم از گذشته‌های دور محل شکل‌گیری یک جامعه روستایی با نظام کشاورزی، قنات، باغاری و صنایع وابسته به آب بوده است.

«امامزاده‌ای در میان کوه و باغ»

در میان بافت روستا، آستان امامزاده سرالدین (ع) قرار گرفته است؛ زیارتگاهی که در منابع محلی به امامزاده سرالدین، فرزند امام موسی کاظم(ع)، نسبت داده شده است. ساختمان قدیمی این امامزاده با مصالح خشت و گل ساخته شده و صحن و شبستان آن در کنار بافت سنتی روستا قرار گرفته است. بر اساس معرفی منتشرشده از این بئله بنید زیارتگاه حدود ۱۲ متر ارتفاع دارد و بنای حرم و شبستان نیز در مجموع حدود ۲۵۰ مترمربع اعلام شده است. قرار گرفتن امامزاده در کنار باغ‌ها و دامنه کوه‌ها، به این بخش از روستا

خال‌وهوایی متفاوت داده است؛ جایی که عناصر مذهبی، طبیعی و تاریخی در یک محدوده کنار هم قرار گرفته‌اند.

«لاسیب؛ جایی که شب‌ها ستاره‌ها نزدیک‌ترند»

اما شاید متفاوت‌ترین ویژگی لاسیب برای گردشگران، چیزی باشد که نه در کوچه‌ها و نه در باغ‌ها، بلکه بالای سر آنها دیده می‌شود؛ آسمان شب، ارتفاع منطقه، قرار گرفتن روستا در میان ارتفاعات و وجود نقاط کمپور، لاسیب را از گذشته به یکی از نقاط مورد توجه علاقمندان نجوم در شهرستان پیدا می‌کند. این پژوهشگر همچنین بر ضرورت انتقال تجربه‌های موجود به نسل‌های بعدی تأکید کرد و گفت: اگر قرار است در این حوزه مسیر تازه‌ای شکل بگیرد، باید تجربه‌هایی که در دو دهه گذشته به دست آمده، بررسی و در اختیار دیگران قرار گیرد تا بتوان بر اساس آنها مسیرهای دقیق‌تری برای آینده ترسیم کرد.

«ضرورت بازتعریف کیوریتوری متناسب با ظرفیت‌های اصفهان»

مجموع مباحث مطرح‌شده در این گفتمان نشان داد که کیوریتوری در ایران دیگر صرفاً در چارچوب انتخاب آثار و برگزاری نمایشگاه قابل تعریف نیست و مجموعه‌ای از مفاهیم همچون پژوهش، روایت‌گری، تولید معنا، ارتباط با مخاطب، بازاریابی، اقتصاد هنر، ارتباط با صنایع و طراحی تجربه را دربرمی‌گیرد. در این میان، اصفهان با برخورداری از زیرساخت‌های فرهنگی و هنری، ظرفیت آن را دارد که به یکی از بسترهای شکل‌گیری و توسعه این گفتمان تبدیل شود؛ موضوعی که در سخنان مطرح‌شده در این نشست نیز مورد تأکید قرار گرفت. با این حال، سخنرانان بر یک نکته مشترک تأکید داشتند: توسعه کیوریتوری در ایران نیازمند عبور از کاربرد صرفاً تشریفاتی عنوان «کیوریتور»، تقویت آموزش و پژوهش، تعریف دقیق مسئولیت‌های حرفه‌ای و ایجاد ارتباط مؤثر میان هنر، اقتصاد و سایر حوزه‌های اجتماعی است. از این منظر، نخستین گفتمان تخصصی کیوریتوری در اصفهان را می‌توان تلاشی برای آغاز گفت‌وگویی جدی‌تر درباره جایگاه این حرفه دانست؛ گفت‌وگویی که از یک سو به ضرورت حرفه‌ای‌سازی کیوریتوری توجه دارد و از سوی دیگر، ظرفیت آن را برای ایجاد ارتباط میان هنر، جامعه و اقتصاد مورد بررسی قرار می‌دهد.

عضو تعاونی مطبوعات، انجمن مدیران رسانه

esfahanemrooz esfahanemrooz @esfahanemrouz

مردی که موسیقی

ایرانی را از حافظه به سازه آورد



دهه شصت، دهه یادگارهای موسیقی ایرانی است؛ پیداد، بر آستان جانان، نوا، دستان، سر عشق، گنبد مینا، دود عود، جان عشاق و قاصدک، حاصل همکاری او با شجریان بودند. در پیداد که در دستگاه هامون شکل گرفت، آهنگسازی و سنتور با او بود و غزل‌ها از حافظ و سعدی. در بر آستان جانان هم همین نسبت برقرار بود: در سر عشق ستار زد، و در دود عود و جان عشاق بیشتر در مقام آهنگساز ایستاد. آنچه میان این نام‌ها مشترک است، یک الگوی کاری است: او به آهنگساز، یک خواننده، و تقدم ساخت بر جلوه. این الگو امروز کهرنگ شده است. ما خواننده را می‌شناسیم و سازنده را نه؛ اجرا را می‌بینیم و ساختن را نه. بخشی از این فهرست، برای یادآوری همین تفاوت است، نه برای شمردن آثار.

«نوشتن، تا آنکه بنماید»

اما مهم‌ترین کار فنی مشکاتیان کهرسول‌صا بود: او ساخته‌هایش را نت‌نویسی و منتشر کرد. موسیقی دستگاهی ایران سال‌ها در حافظه و سینه‌به‌سینه می‌گشت؛ هر چه از دهان استاد بیرون نمی‌آمد، شاید برای همیشه می‌رفت. او چیزی را که در هوا شناور بود، به متن تبدیل کرد تا پس از او هم نواخته و بررسی شود. امروز ما در نقطه مقابل ایستاده ایم. متن را داریم، اما کمتر به یاد می‌سپاریم؛ همه چیز در دسترس است و هیچ چیز در ما نمی‌ماند. مشکاتیان حرکت را در جهت مخالف برد؛ از شنیدن به نوشتن، از حافظه یک نسل به دست نسل‌های بعد.

پرویز مشکاتیان در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۴ در نیشابور به دنیا آمد و در سی‌ام شهریور ۱۳۸۸ درگذشت. اگر از فهرست نام‌ها بگذریم، ساخته‌های او سه چیز را به ما می‌گویند: اینکه آهنگساز سازنده ساترا است و باید نامش را دانست؛ اینکه موسیقی زنده خود را با شعر زمانه‌اش به‌روز می‌کند؛ و اینکه هنر اثر، اگر نوشته نشود، به حافظه یک نفر گروگان می‌ماند. موسیقی ایرانی امروز خواننده دارد، صحنه دارد، فناوری دارد؛ چیزی که کمتر دارد همان چیزی است که مشکاتیان جدی می‌گرفت: ساختن.

آوای سکوت در باغ صائب؛

مأمن کلمات در قلب اصفهان

فقط به یک گور بنگردن، بلکه می‌آیند تا به آن نگاه تیزبین شاعرانه متصل شوند. این آرامگاه، ایستگاهی است برای کسانی که می‌خواهند از روزمرگی معنای ظاهری کلمات، به عبق نهفته در لایه‌های دوم و سوم معنا سفر کنند.

«تجربه زیسته در میان کلمات»

آنچه حضور در آرامگاه صائب را متفاوت می‌کند، تجربه حسی است. در این مکان، هوا بوی تاریخ و کاغذگهنة می‌دهد. وقتی باد در میان شاخه‌های درختان می‌پیچد، انگار صدای شاعر است که در گوش فضا طنین‌انداز می‌شود. مردم در اینجا، خود را بخشی از یک زنجیره طولانی از فرهنگ می‌بینند. آن‌ها احساس می‌کنند که تنها نیستند؛ چرا که در این باغ، با بزرگانی هم‌نشین شده‌اند که نگاشتن به جهان، بسیار فراتر از زمان زندگی‌شان بوده است. حضور مردم در کنار مزار صائب، یک عمل آیینی خودجوش است. هیچ اجباری نیست، اما گویی یک نیروی منطایی، مشتاقان ادب را به سمت این مرکز فرهنگی جذب می‌کند. این تعامل زنده میان مردم و اثر تاریخی، بهترین نوع حفاظت از میراث فرهنگی است. تا زمانی که مردم به این مکان می‌آیند و کلمات صائب بر لب‌هایشان جاری می‌شود، این مکان زنده می‌ماند.

«میراثی که باید ماندگار بماند»

آرامگاه صائب تبریزی، بیش از آنکه یک بنای سنگی در یک باغ محصور باشد، یک نقطه اتصال است. اتصال میان گذشته درخشان ادبیات ایران و نسل‌های امروز. این مکان، وظیفه دارد تا معنای ژرف اندیشیدن را در جامعه حفظ کند. در دنیایی که به سرعت می‌معنا شدن کلمات پیش می‌رود، صائب و آرامگاهش، یادآوری می‌کنند که هنوز هم می‌توان با یک بیت، با یک دید، با یک نگاه دقیق، و با یک لحظه تأمل، جهان را زیباتر کرد.

مراقبت از این مکان، نه فقط مراقبت از آجر و سنگ، بلکه یک باغ محصور باشد، یک نقطه اتصال است. اتصال میان گذشته درخشان ادبیات ایران و نسل‌های امروز. این مکان، حضور نسل‌های نو، همواره بتبد مردمی که به اینجا می‌آیند، سفیران این فرهنگ هستند؛ سفیرانی که عطر کلام صائب را با خود به خانه‌هایشان می‌برند.



اصفهان‌امروز

• نامه‌گویی •

و با هدف بررسی رویکردها و استانداردهای روز جهانی برگزار شد و در آن، فعالان این حوزه از ضرورت بازتعریف جایگاه کیوریتور، پیوند کیوریتوری با اقتصاد و صنعت، نقش پژوهش در این حرفه و ضرورت پرهیز از کاربرد گسترده و گاه نادرست عنوان «کیوریتور» سخن گفتند.

«کیوریتوری؛ مفهومی فراتر از برگزاری یک رویداد»

ملیکا رفیعی، کیوریتور، در این نشست با تأکید بر تفاوت میان برگزارکننده یک رویداد و کیوریتور اظهار کرد: نباید برگزارکننده یک رویداد را با کیوریتور اشتباه گرفت.

او کیوریتینگ را به زبان ساده «فرایند شکل‌دادن به یک ایده و خلق یک تجربه از طریق پژوهش، تحقیق، انتخاب و ایجاد پیوند میان موضوع، آثار، افراد و مخاطبان برای خلق یک مواجهه معنادار تعریف کرد.

رفیعی با اشاره به موضوع استراتژی در کیوریتینگ افزود: کیوریتینگ می‌تواند به‌عنوان یک ابزار استراتژیک مورد توجه قرار گیرد؛ اما برای طراحی تجربه، ابزارهای دیگری نیز مورد نیاز است و نمی‌توان تمام این فرایندها را در مفهوم کیوریتینگ خلاصه کرد.

او با بیان اینکه کیوریتور در ذهن بسیاری از افراد همچنان بیشتر با هنر و نمایشگاه‌های هنری شناخته می‌شود، ادامه داد: کیوریتوری می‌تواند در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه در صنایع تجربه‌محور و مکان‌محور مانند گردشگری و مراکز تجاری، شکل بگیرد و از این ظرفیت می‌توان برای ارتقای آگاهی عمومی نسبت به موضوعات مختلف بهره گرفت.

این کیوریتور با اشاره به وضعیت اقتصادی این حرفه در ایران گفت: در کشور، هنوز ظرفیت‌های لازم برای اینکه کیوریتورها به‌درستی در چرخه تولید ارزش و سرمایه‌ی قرار بگیرند، فراهم نشده است؛ ظرفیت‌های حرفه‌ای جدید را مورد توجه قرار دهیم؛ و اقتصادی این فعالیت چندجانبه را ببینیم. رفیعی بر ضرورت فعال‌شدن بنگاه‌های اقتصادی و ورود گفتمان کیوریتوربال به صنایع مختلف تأکید کرد و افزود: باید این گفتمان را وارد حوزه‌های دیگر کنیم و ظرفیت‌های حرفه‌ای جدید را مورد توجه قرار دهیم؛ چراکه این مباحث می‌تواند در‌های جدیدی را به روی حوزه‌های مختلف باز کند. او همچنین با اشاره به ظرفیت‌های فرهنگی اصفهان اظهار کرد: اصفهان از کیوریتور را تا حدی یک مؤلف دانست و افزود: کیوریتور می‌تواند یک روایت ایجاد کند و این روایت، بسته به خاستگاه، خواسته و ایده او شکل می‌گیرد. از همین منظر، کیوریتور می‌تواند میان هنر و حوزه‌هایی مانند صنعت نیز ارتباط ایجاد کند. وی با اشاره به امکان نزدیک‌شدن هنرمندان به مضامین صنعتی در آثار خود اظهار کرد: می‌توان جریان‌هایی را شکل داد که هنرمندان را به مضمون صنعت در اجرا، کار و ایده‌پردازی نزدیک کند. روحانی درباره جایگاه کیوریتوری در ایران نیز گفت: آنچه امروز تحت عنوان کیوریتینگ از آن یاد می‌شود، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و مشاغل است که در برخی ساختارها در